

تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس و ابعاد هویت کودکان کار

سید مرتضی سیادت^۱

محسن جدیدی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۲

تاریخ وصول: ۹۳/۹/۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس و ابعاد هویت کودکان کار شهرستان گرگان بود؛ به این منظور ۹۶ کودک کار (پسر و دختر) به عنوان جمعیت نمونه از بین ۱۲۵ کودک کار شهرستان گرگان و بر اساس جدول کوهن با روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس انتخاب شد، سپس تعداد ۵۰ نفر از کودکان کار که بر اساس مقیاس مهارت اجتماعی متسون، پرسش‌نامه عزت نفس کوپر اسمیت و پرسش‌نامه ابعاد هویت چیک نمره پایینی کسب نموده بودند به صورت کاملاً تصادفی انتخاب و با استفاده از طرح آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون در یکی از دو گروه آزمایش و کنترل جای داده شدند. در ادامه کودکان گروه آزمایشی، در ۱۲ جلسه یک‌ساعته در دوره آموزش مهارت‌های اجتماعی شرکت داده شدند. پس از برگزاری برنامه مداخله‌ای، دو گروه آزمایشی و کنترل با یکدیگر مقایسه شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد برنامه مداخله‌ای، اثر معناداری ($p < 0/01$) بر بهبود عزت نفس و ابعاد هویت کودکان کار در گروه آزمایشی دارد.

واژگان کلیدی: ابعاد هویت، عزت نفس، کودکان کار، مهارت‌های اجتماعی

مقدمه

سال‌های نوجوانی مرحله‌ی مهم و برجسته‌ی رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می‌رود، در این دوره از زندگی است که هویتی که سنگ بنای آن در سال‌های کودکی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات استان گلستان

Morteza2606@yahoo.com

۲. مربی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرگز jadidi.mohsen@gmail.com

گذاشته شده بود مستحکم‌تر شده و در همین ایام است که نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی به ویژه تعادل بین عواطف و عقل، درک ارزش وجودی خویش، خودآگاهی (شناخت استعدادها، توانایی‌ها و رغبت‌ها)، انتخاب هدف‌های واقعی در زندگی، برقراری روابط سالم با دیگران، کسب مهارت‌های اجتماعی^۱ لازم، شناخت زندگی سالم و مؤثر از مهمترین نیازهای نوجوان است. بنابراین کمک به نوجوان در مسیر رشد و گسترش مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی بهتر، ایجاد یا افزایش اعتماد به نفس در برخورد با مشکلات و حل آن‌ها و همچنین کمک به آنان در رشد و تکامل مهارت‌های اجتماعی لازم برای سازگاری موفق با محیط اجتماعی در جامعه، ضروری به نظر می‌رسد (شعاری نژاد، ۱۳۷۷).

اما در جامعه ما هستند کودکانی که باید کار کنند و کمک خرج والدین خود باشند؛ و از آنجا که حتی در بیشتر موارد، میزان درآمد روزانه‌ی این کودکان از سوی والدین و صاحبکارانشان از پیش تعیین شده است، لذا طبیعتاً آنچه برای این کودکان و یا نوجوانان اهمیت می‌یابد، تامین مخارج خود و یا خانواده است نه تفکر درباره ارزش‌ها و اعتقادات، مفاهیم حقیقت، زیبایی و مرگ و نیستی و ...؛ و اسفناک‌تر این که کودکان و نوجوانانی که وظیفه اصلی آنان کار و کمک به تامین درآمد خانواده است، در مسیر پر پیچ و خم کسب هویت، بدون هرگونه پشتوانه و حمایت، به حال خود رها خواهند شد؛ حال آن که امروزه چالش‌های هویتی نقشی سرنوشت‌ساز را در سلامت روان فرد بر عهده داشته و هویت به عنوان پیش‌شرطی برای هر نوع عمل، به ویژه عمل اجتماعی و یکی از شروط لازم برای توسعه به حساب می‌آید (شوکتی گورابی، ۱۳۸۸). همچنین با توجه به این روند معیوب هویت‌یابی در کودکان کار و وجود برخی موانع در مسیر هویت‌یابی آنان، به نظر می‌رسد که در عزت نفس این کودکان نیز تغییراتی ایجاد گردد؛ چراکه عزت نفس بالا بستگی به نحوه شکل‌گیری هویت دارد؛ و زمانی که افراد از عزت نفس بالایی برخوردار باشند ولی از هویت مناسبی برخوردار نباشند، در رفتار خود عزت نفس پایین نشان می‌دهند (شاطرلو، ۱۳۸۶).

کودکان کار بر اساس تعریف یونیسف^۱ این گونه تعریف می‌شوند: «همه کودکانی که به سبب کمبود و یا نبود نظارت پدر و مادر، دلبستگی به تحصیل و گذراندن اوقات در منزل نداشته و ناگزیر در خیابان‌ها کار و زندگی می‌کنند». کودکان کار در یک نگاه کلی در آستانه آسیب‌پذیری و رفتارهای ضداجتماعی قرار دارند و بیشتر به ورطه‌ی بزهکاری می‌افتند؛ به عبارتی بهتر حتی تعدادی از آنان برخی آسیب‌ها را تجربه کرده و به علت ارتکاب اعمال مجرمانه با پلیس و دیگر نیروهای نظارتی درگیر و سرانجام راهی زندان و یا کانون‌های اصلاح و تربیت شده‌اند. اما بیشتر کودکان خیابانی نه بی‌خانمان‌اند و نه بزهکار؛ بیشتر آنان کار می‌کنند بی آنکه از پشتیبانی لازم برخوردار باشند و در معرض خطرها و بهره‌کشی‌های گوناگون قرار دارند. این کودکان فرصت‌هایی بس اندک برای رشد و تکامل عاطفی^۲ اجتماعی، آموزشی و اقتصادی دارند. اما با وجود آمار رو به افزایش کودکان کار و لزوم توجه بیش از پیش به این پدیده، آنگونه که باید و شاید این معضل اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته است (حسنی، ۱۳۸۳).

بنابراین آموزش مهارت‌های اجتماعی به این دسته از کودکان و این که چگونه و با چه کیفیتی در جمع حضور یابند و رفتارهای متناسب و مقبول از خود بروز دهند، ضرورت دارد. اکتساب مهارت‌های اجتماعی، محور اصلی رشد اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازگاری اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به شمار می‌آید (آیلون تئودورو^۲ و همکاران، ۲۰۰۵).

کسب مهارت‌های اجتماعی کودکان بخشی از اجتماعی شدن آنان است؛ در فرایند اجتماعی شدن، هنجارها، مهارت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار فرد شکل می‌گیرد تا به نحو مناسب و مطلوبی نقش کنونی یا آتی خود را در جامعه ایفا کند (کارتلیج و میلبرن^۳، ۱۹۸۵). یکی از ویژگی‌های مهارت‌های اجتماعی اکتسابی بودن آنهاست و در حال حاضر بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که بیش‌تر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند، زیرا کودکانی

1. unicef
2. Teodoro Ayllon
3. Cartledge & Milbern

که در محیط‌های نامناسب بزرگ شده‌اند، از لحاظ اجتماعی رفتارهای نامطلوب دارند (اُون هارجی^۱ و همکاران، ۱۹۹۴).

مهارت‌های اجتماعی مجموعه رفتارهای فراگرفته و قابل قبولی است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از عکس‌العمل‌های نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر برقراری رابطه، تقاضای کمک کردن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی کردن، مثال‌هایی از مهارت‌های اجتماعی به شمار می‌آیند (گرشام، ۱۹۸۲؛ گرشام و الیوت^۲، ۱۹۸۷؛ الیوت و گرشام، ۱۹۹۳). از این‌رو در سال‌های اخیر توجه زیادی به آموزش مهارت‌های اجتماعی شده است، زیرا بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد نارسایی در مهارت‌های اجتماعی تأثیر منفی بر عملکرد افراد گذاشته، به طرد کودکان و نوجوانان از گروه همسالان منجر شده و غالباً به بروز مشکلات سازگاری منجر می‌شود (پارکر و آشر^۳، ۱۹۹۳).

انجلس^۴ و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهشی، شیوه‌های فرزندپروری، مهارت‌های اجتماعی، روابط با همسالان و سازگاری اجتماعی را در نوجوانان بررسی کردند. پژوهش آنان به مهارت‌های اجتماعی به عنوان واسطه میان ویژگی‌های رابطه والد-کودک و ناسازگاری با همسالان تاکید می‌کند. داده‌های این پژوهش از مطالعه ۵۸ کودک ۱۸ تا ۱۲ ساله به دست آمد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی، موجب افزایش سازگاری نوجوانان می‌شود و روابط با همسالان را افزایش می‌دهد.

بتلو^۵ (۲۰۰۵) که در رساله دکتری خود به بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر هوش هیجانی دانش‌آموزان ۷ تا ۱۲ ساله پرداخته است، نتیجه می‌گیرد این آموزش‌ها به طور معناداری موجب افزایش هوش هیجانی کودکان می‌شود. او ۸ نوع مهارت را در ۸ هفته به ۲۴ دانش‌آموز، آموزش داد و نتیجه گرفت آموزش مهارت‌های اجتماعی در هر دو جنس مؤثر است و موجب افزایش هوش هیجانی دانش‌آموزان می‌شود.

-
1. Hargie Owen
 2. Gresham & Elliot
 3. Parker & Asher
 4. Engels
 5. Betlow

پژوهش‌های اندکی در ایران برای بررسی مهارت‌های اجتماعی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. بیان‌زاده و ارجمندی (۱۳۸۲) در پژوهش خود تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی در کودکان عقب‌مانده ذهنی خفیف را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها ۲۸ دانش آموز عقب‌مانده ذهنی خفیف را برگزیدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل قرار دادند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد گروه آزمایشی پس از پایان جلسات آموزشی، بهبود معناداری را در زمینه مهارت‌های اجتماعی پیدا کرده است و آموزش مهارت‌های اجتماعی سبب افزایش رفتار سازشی در کودکان عقب‌مانده ذهنی خفیف می‌شود.

جلیلی آبکنار (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان « آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان آسیب‌دیده شنوایی» به چگونگی آموزش مهارت‌های اجتماعی و انواع آن به دانش‌آموزان آسیب‌دیده شنوایی پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که آموزش مهارت‌های اجتماعی نه تنها جنبه‌های اجتماعی زندگی کودکان آسیب‌دیده شنوایی را بهبود می‌بخشد، بلکه می‌تواند مهارت‌های آموزشی آن‌ها را به طور بالقوه‌ای بهبود بخشد.

حقیقی و همکاران (۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان « بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سلامت روانی و عزت نفس دانش‌آموزان دختر سال اول مقطع متوسطه» انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داده است که آموزش مهارت‌های اجتماعی با توجه به میانگین تفاضل نمره‌های دانش‌آموزان گروه آزمایشی نسبت به میانگین تفاضل نمره‌های دانش‌آموزان گروه گواه موجب افزایش عزت نفس گروه آزمایشی شده است.

محسن شکوهی در پژوهش خود با عنوان « بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان نابینا» (۱۳۸۹) اینگونه مطرح کرده که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود عزت نفس دانش‌آموزان پسر نابینا، در گروه آزمایشی به طور معناداری موثر بوده است. این یافته‌ها بیانگر این است که اجرای برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان نابینای گروه آزمایشی کمک کرده است تا در تعامل با همسالان خود، با عزت نفس بالایی رفتار کنند.

پژوهش حاضر با توجه به مطالعات اندکی که در ایران انجام گرفته است، در صدد بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کودکان کار شهرستان گرگان می‌باشد؛ در پژوهش حاضر، آموزش مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل، عزت نفس و ابعاد هویت نیز به عنوان متغیرهای وابسته، و سن و جنس کودکان کار نیز به عنوان متغیرهای کنترل به شمار می‌آیند.

فرضیه‌های اصلی پژوهش نیز عبارتند از:

- ۱- آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب بهبود ابعاد هویت کودکان کار می‌شود.
- ۲- آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب بهبود عزت نفس کودکان کار می‌شود.

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: پژوهش حاضر از نوع تحقیقات آزمایشی است که افراد مورد مطالعه، به طور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش شامل همه کودکان کار شهرستان گرگان می‌باشد که بر اساس آمار موجود در سازمان بهزیستی در سال ۹۲، تعداد آنان ۱۲۵ نفر است. در این پژوهش، ۹۶ کودک کار بر اساس جدول کوهن به روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس انتخاب شده، سپس ۵۰ نفر کودکانی که در فهرست ارزیابی مهارت اجتماعی متسون، مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت و ابعاد هویت چیک نمره پایینی کسب کرده بودند در تراز سنی ۱۳ تا ۱۷ سال، به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل قرار گرفتند (تعداد ۲۵ نفر در هر گروه). شغل پدران بیش‌تر آزمودنی‌ها کارگری و شغل مادران آنان خانه‌داری بوده و از لحاظ اقتصادی تقریباً مشابه یکدیگر بودند.

ابزار پژوهش: پژوهش حاضر از سه ابزار به شرح زیر بهره گرفته است:

فهرست ارزیابی مهارت‌های اجتماعی کودکان ماتسون^۱: ماتسون و همکاران در سال ۱۹۸۳ برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ سال این فهرست بررسی^۲، را تدوین کردند. فهرست بررسی ماتسون دو فرم خود گزارشی و گزارش‌دهی توسط معلم را

1. The Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY)
2. Checklist

دارد که هر کدام از آن‌ها نیز خرده‌مقیاس‌هایی دارند. در این پژوهش از فرم خودگزارشی بهره گرفته‌ایم. این فهرست بررسی، به طور گسترده در آمریکا (ماتسون و همکاران، ۱۹۸۳؛ ماتسون، ۱۹۹۰؛ کازدین، ۱۹۸۴) و سپس در استرالیا (سپنس و لیدل^۱، ۱۹۹۰)، چین (چو^۲، ۱۹۹۷) اسپانیا (مندز^۳ و همکاران، ۲۰۰۲) و برزیل (تئودورو و همکاران، ۲۰۰۵)، پس از هنجاریابی، مورد استفاده قرار گرفته است.

اعتبار و روایی: اعتبار فهرست بررسی ماتسون با ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه شد و مقدار ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل مقیاس، یکسان و برابر با ۰/۸۶ است. ضرایب به دست آمده در ایران مناسب می‌باشد و مقیاس مورد نظر، اعتبار قابل قبولی دارد. روش آماری تحلیل عوامل برای تعیین روایی سازه مقیاس مهارت‌های اجتماعی به کار رفته است (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱).

شیوه نمره‌گذاری: فهرست بررسی ماتسون، ۶۴ سؤال است و دو مقیاس فرعی دارد که عبارتند از: مهارت‌های اجتماعی مناسب و رفتارهای نامناسب؛ دامنه نمرات این مقیاس‌ها میان ۶۴ و ۳۲۰ در نوسان است (ماتسون و اولندیک، ۱۹۸۸؛ ترجمه‌ی به پژوه، ۱۳۸۴).

پرسش‌نامه ابعاد هویت چیک: گرایش‌های هویتی به مفهومی اشاره دارد که افراد هنگامی که خودشان را معرفی می‌کنند، هویت و مشخصه‌های مختلفی را به خودشان نسبت می‌دهند (چیک^۴، ۱۹۸۹). تهیه پرسش‌نامه جنبه‌های هویت، با انتخاب موادی از فهرست ویژگی‌های هویت سمپسون^۵ (۱۹۷۸) که برای نشان دادن حیطه‌های هویت شخصی و اجتماعی جمع‌آوری شده بود، آغاز شد (چیک و بریگز^۶، ۱۹۸۱-۱۹۸۲). سپس برخی از ماده‌ها بازنویسی شده و برخی دیگر حذف شدند و برای اصلاح پایایی و اعتبار محتوای پرسش‌نامه ماده‌های جدید تهیه شد (چیک، ۱۹۸۱؛ چیک و هوگان^۷، ۱۹۸۱؛ هوگان و چیک، ۱۹۸۱).

-
1. Spence & Liddle
 2. Chew
 3. Mendez
 4. Cheek
 5. Sampson
 6. Briggs
 7. Hogan

از اجرای پرسش‌نامه در چهار کشور آمریکا، استرالیا، مکزیک و فیلیپین توسط چیک و تراپ (۱۹۹۷)، ضریب آلفای زیرمقیاس هویت شخصی در دامنه ۰/۸۰ تا ۰/۸۳، زیرمقیاس روابط بین فردی ۰/۸۲ تا ۰/۹۱، زیرمقیاس هویت اجتماعی ۰/۸۰ تا ۰/۸۲ و هویت جمعی ۰/۶۷ تا ۰/۷۷ به دست آمده که بیانگر همسانی درونی مطلوب این آزمون است. همچنین نتایج مطالعه بیانگر اعتبار سازه مناسب این پرسش‌نامه است.

هنجاریابی در جامعه ایرانی: این پرسش‌نامه در ایران نیز در پژوهشی با عنوان «ارائه‌ی مدل علی برای شادی بر اساس ابعاد هویت با واسطه جهت‌گیری هدف» (نعیمه کهولت^۱ بهرام جوکار، ۱۳۹۱) مورد استفاده قرار گرفته و به منظور تعیین روایی پرسشنامه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود؛ همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. نتایج این پژوهش در پژوهش دیگری نیز تحت عنوان «بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی اسلامی با ابعاد هویت» (جوکار، ۱۳۸۷) مورد تایید مجدد قرار گرفت.

روش نمره گذاری: نمره گذاری برای ۴۵ ماده پرسش‌نامه به این نحو است که نمره هویت هر شخص در کل هویت و یا در هر یک از مقیاس‌ها از مجموع نمرات (۵-۱) که شامل: برایم مهم نیست = ۱، کمی برایم مهم است = ۲، تا حدودی برایم مهم است = ۳، برایم خیلی مهم است = ۴ و فوق‌العاده برایم مهم است = ۵؛ به دست می‌باشد.

پرسش‌نامه عزت نفس: پرسشنامه ۵۸ گویه‌ای عزت نفس کوپراسمیت^۲ (SEI) دارای ۴ زیرمقیاس اصلی (مقیاس عزت نفس عمومی، اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی) و یک زیرمقیاس دروغ‌سنج می‌باشد و پاسخ‌های آن در قالب گزینه‌های بلی و خیر می‌باشند. این پرسش‌نامه نیز در دفعات متعدد در جامعه ایرانی مورد استفاده قرار گرفته و هنجار آن بارها مورد تایید قرار گرفته است. این پرسش‌نامه عقاید یا واکنش‌های فرد را توصیف کرده و به منظور سنجش بازخورد نسبت به خود در قلمروهای اجتماعی، خانوادگی، آموزشگاهی و

1. Coopersmith
2. Self-esteem Inventory

شخصی فراهم شده است. در این پرسش‌نامه آزمودنی باید با انتخاب «بلی» یا «خیر» به سوالات پاسخ دهد. مواد هر یک از زیر مقیاس‌ها عبارتند از: مقیاس عمومی ۲۶ ماده، مقیاس اجتماعی ۸ ماده، مقیاس خانوادگی ۸ ماده، مقیاس آموزشگاهی ۸ ماده و مقیاس دروغ سنج ۸ ماده، نمرات زیر مقیاس‌ها و هم‌چنین نمره کلی، امکان مشخص کردن زمینه‌ای را که در آن افراد واجد تصویر مثبتی از خود هستند، فراهم می‌سازد.

این پرسش‌نامه را می‌توان به صورت فردی یا گروهی اجرا کرد. شکل آموزشگاهی در مورد کودکان و نوجوانان مدرسه‌ای از ۸ سال به بالا به کار می‌رود، شکل بزرگسال نیز مربوط به اشخاصی است که تحصیلات عمومی خود را به پایان رسانده‌اند. مدت اجرای تست تقریباً ۱۰ دقیقه است. بهتر است که آزمایشگر در خلال اجرای تست، از هرگونه توضیح و تبیین خوداری کرده و از به کار بردن اصطلاح «عزت نفس» اجتناب نماید (به این نکته توجه شود که روی پاسخ‌نامه، این اصطلاح در عنوان گذاشته نشده است). شیوه نمره‌گذاری این آزمون به صورت صفر و یک است؛ به این معنا که در برخی از سوال‌ها، به پاسخ «بلی» یک نمره و به پاسخ «خیر» صفر نمره داده می‌شود و برخی دیگر از سوال‌ها نیز به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

کلید تصحیح تست کوپر اسمیت: سوالات مربوط به دروغ سنج: ۶-۱۳-۲۰-۲۷-۳۴-۴۱-۴۸-۵۵. هر کس از ۸ سؤال فوق بیش از ۴ نمره بیاورد اعتبار آزمون پایین است.

در این سوالات به پاسخ «بلی» یک نمره و پاسخ «خیر» صفر نمره تعلق می‌گیرد: ۲-۴-۵-۱۰-۱۱-۱۴-۱۸-۱۹-۲۱-۲۳-۲۴-۲۸-۲۹-۳۰-۳۲-۳۶-۴۵-۴۷-۵۷

در این سوالات به هر پاسخ «خیر» یک نمره و به هر پاسخ «بلی» صفر نمره تعلق می‌گیرد: ۱-۳-۷-۸-۹-۱۲-۱۵-۱۶-۱۷-۲۲-۲۵-۲۶-۳۱-۳۳-۳۵-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۲-۴۳

۴۳-۴۴-۴۶-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۶-۵۸

میزان عزت نفس: با توجه به امتیاز آزمودنی از اجرای این پرسش‌نامه، نمره عزت نفس ضعیف عبارت است از نمره ۲۶ و کمتر از آن. نمره‌ی بین ۲۷ و ۴۳ نیز حاکی از عزت نفس متوسط بوده و نمره بیش از ۴۴ نیز حکایت از عزت نفسی قوی دارد.

اعتبار و روایی: بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران بیانگر آن است که این آزمون از اعتبار و روایی قابل قبولی برخوردار است. هرز و گولن^۱ (۱۹۹۹) ضریب آلفای ۰/۸۸ را برای نمره کلی آزمون گزارش کرده‌اند. همچنین جهت سنجش روایی بین نمره کل آزمون با خرده مقیاس روان‌آزرده‌گرایی در آزمون شخصیت آیزنک^۲، روایی واگرایی منفی و معنادار و با خرده مقیاس برون‌گرایی، روایی همگرایی مثبت معنادار به دست آمده است. ادموند سون^۳ و همکاران (۲۰۰۶) نیز ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ را برای آزمون عزت نفس کوپر اسمیت گزارش کرده‌اند. کوپر اسمیت و دیگران (۱۹۹۰) ضریب باز آزمایی را بعد از پنج هفته ۰/۸۸ و بعد از یک سال ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند. با روش باز آزمایی، ضریب اعتبار این آزمون در ایران با فاصله چهار هفته و دوازده روز به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب همسانی درونی گزارش شده بین ۰/۸۹ تا ۰/۸۳ در مطالعات مختلف متغیر بوده است. پور شافعی (۱۳۷۰) با روش دو نیمه کردن ضریب ۰/۸۷ را گزارش کرده است. در بررسی روایی آزمون کوپر اسمیت، ثابت (۱۳۷۵) و نایی فرد (۱۳۸۲) روایی همگرایی مثبت بین آزمون کوپر اسمیت و آزمون عزت نفس آیزنک به دست آوردند. این میزان در پژوهش ثابت ۰/۸۰ و در پژوهش نایی فرد ۰/۷۸ بوده است. همچنین ضرایب اعتبار این آزمون با روش باز آزمایی برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش شده است.

با روش باز آزمایی ضریب پایایی این آزمون در ایران با فاصله چهار هفته و دوازده روز به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب همسانی درونی گزارش شده بین ۰/۸۹ تا ۰/۸۳ در مطالعات مختلف متغیر بوده است. پور شافعی (۱۳۷۰) با روش دو نیمه کردن ضریب ۰/۸۷ را گزارش کرده است. در بررسی روایی آزمون کوپر اسمیت، ثابت (۱۳۷۵) و نایی فرد (۱۳۸۲) روایی همگرایی مثبت بین آزمون کوپر اسمیت و آزمون عزت نفس آیزنک به دست آوردند. این میزان در پژوهش ثابت ۰/۸۰ و در پژوهش نایی فرد ۰/۷۸ بوده است. همچنین ضرایب اعتبار این آزمون با روش باز آزمایی برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ گزارش شده است.

-
1. Herz L, Gullone, E
 2. Hans Jürgen Eysenck
 3. Edmond Sun

برنامه مداخله‌ای در پژوهش حاضر کوشید تا مهارت‌های اجتماعی لازم را به کودکان کار حاضر در دوره آموزش دهد و تأثیر آن را بر عزت نفس و ابعاد هویت آنان ارزیابی کند. برای این منظور، ابتدا مهارت‌های اجتماعی کودکان کار با فهرست بررسی ماتسون مورد سنجش اولیه قرار گرفت و مهارت‌هایی که کودکان در آن‌ها مشکل داشتند، به عنوان مهارت‌های لازم جهت آموزش، انتخاب شدند. افزون بر این، برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی با توجه به پیشینه پژوهشی و با نظر و تأیید تعدادی از متخصصان و استادان روان‌شناسی، برای ۱۲ جلسه طراحی، تهیه و اجرا شد.

هدف‌های برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی عبارت بودند از: آموزش برخورد مناسب با دیگران، پیروی از دستورات، رعایت نظم و سکوت، کمک به دیگران، افزایش توانایی توجه، داشتن صبر و حوصله، قبول نتیجه کار و نظایر آن. رویکرد آموزشی برنامه یاد شده بیشتر بر رویکرد یادگیری شناختی و اجتماعی مبتنی است و بیشتر از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، مانند بیان کلامی، سرمشق‌گیری، بازی نقش، مرور ذهنی، بازخورد، بحث گروهی، تقویت مثبت و پرسش و پاسخ بهره می‌گیرد. برنامه مداخله‌ای، در ۱۲ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای ۲ جلسه) در گروه آزمایشی در محل مهد کودک سینا (شهر گرگان) اجرا شد؛ از شرکت‌کنندگان در گروه آزمایشی درخواست شد مباحثی را که در کلاس‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی مطرح می‌شود با دانش‌آموزان دیگر (گروه کنترل) در میان نگذارند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) در فهرست بررسی ماتسون، ابعاد هویت چیک و عزت نفس کوپر اسمیت در جدول ۱ گزارش شده است

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار ۲ گروه آزمایشی و کنترل در فهرست بررسی ماتسون، ابعاد هویت و عزت نفس

گروه آزمایشی ۲۵ نفر		گروه کنترل ۲۵ نفر			
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
پیش آزمون	۱۷۹/۴۴	۹/۹۲	۱۷۶/۷۸	۲۴/۸۶	پرسشنامه مهارت اجتماعی
پس آزمون	۲۲۸/۵۲	۱۲/۸۵	۱۷۷/۳۱	۲۸/۰۴	
پیش آزمون	۱۱۲/۳۶	۷/۵۱	۱۱۹/۱۳	۴/۹۶	پرسشنامه ابعاد هویت
پس آزمون	۱۲۶/۱۲	۷/۱۱	۱۱۹/۷۹	۵/۲۹	
پیش آزمون	۳۳/۵۷	۲/۰۳	۳۰/۴۱	۲/۵۲	پرسش نامه عزت نفس
پس آزمون	۳۷/۲۲	۱/۷۱	۳۱/۶۲	۲/۲۵	

نگاهی به جدول ۱ نشان می‌دهد که نمرات آزمودنی‌ها در گروه آزمایشی و گروه کنترل در مرحله پیش آزمون تفاوت اندکی دارد، اما افراد مورد مطالعه در گروه آزمایشی در مرحله پس آزمون (پس از شرکت در برنامه مداخله‌ای) در هر سه متغیر مورد نظر نمرات بالاتری را به دست آورده‌اند.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در فهرست بررسی ماتسون میانگین نمرات کودکان کار در هر ۲ گروه در مرحله پس آزمون بیش‌تر شده است؛ شاید به این دلیل که کودکان در مرحله دوم آزمون، آشنایی نسبی با سوالات این فهرست کسب نموده و یا علی‌رغم تاکید صورت گرفته، برخی اعضای گروه آزمایشی، اعضای گروه کنترل را از محتوای آموزش‌های ارائه شده مطلع نموده باشند؛ به هر حال دلیل این امر برای پژوهشگران معلوم نبوده و می‌تواند این بهبود در نمرات خود به خود باشد.

نمره‌های پیش آزمون و پس آزمون ۲ گروه آزمایشی و کنترل و تأثیر تکرار در گروه‌ها برای آزمون فرضیه اول، مبنی بر این که آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب بهبود ابعاد هویت کودکان کار می‌شود، مورد تحلیل آماری قرار گرفت. از این‌رو، تحلیل واریانس با

اندازه‌گیری مکرر برای آزمون تفاوت‌های درون‌گروهی و میان‌گروهی دو گروه در پیش‌آزمون-پس‌آزمون مناسب است و شاخصی از تفاوت‌های میان‌گروهی و درون‌گروهی را به دست می‌دهد.

جدول ۲. تحلیل واریانس برای بررسی اثر درون‌آزمودنی و میان‌آزمودنی در متغیر مهارت‌های اجتماعی در ۲ گروه آزمایشی و کنترل

منابع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	معناداری
تکرار	۳۳۰۵۱/۲۴	۱	۳۳۰۵۱/۲۴	۱۵۷/۴۹	۰/۰۰۱
تکرار در گروه	۴۰۴۴/۹۶	۱	۴۰۴۴/۹۶	۱۹/۲۷	۰/۰۰۱
خطا	۱۰۰۷۲/۸۰	۴۸	۲۰۹/۸۵	-	-
گروه	۴۹۰۰	۱	۴۹۰۰	۵/۹۱	۰/۰۱۹
خطا	۳۹۷۵۶/۹۶	۴۸	۸۲۸/۲۷	-	-

جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر بر متغیر مهارت‌های اجتماعی را در گروه آزمایشی و کنترل نشان می‌دهد. چنان‌که مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری در سطح $p < 0/001$ میان ۲ گروه آزمایشی و کنترل وجود دارد و تفاوت میان تعامل تکرار آزمون با گروه‌ها در سطح $p < 0/001$ معنادار است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب اکتساب مهارت‌های اجتماعی شده است. در جدول بعدی نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای متغیر وابسته ابعاد هویت گزارش خواهد شد.

جدول ۳. تحلیل واریانس برای بررسی اثر درون آزمودنی و میان آزمودنی در متغیر ابعاد هویت در دو گروه آزمایشی و کنترل

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
تکرار	۴۷۵/۲۴	۱	۴۷۵/۲۴	۳۰/۴۴	۰/۰۰۱
تکرار در گروه	۴۴۹/۴۴	۱	۴۴۹/۴۴	۲۸/۷۹	۰/۰۰۱
خطا	۷۴۹/۳۲	۴۸	۱۵/۶۱	-	-
گروه	۲۶۲/۴۴	۱	۲۶۲/۴۴	۴/۰۹	۰/۰۰۱
خطا	۳۰۷۷/۴۰	۴۸	۶۴/۱۱	-	-

جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر بر ابعاد هویت را در ۲ گروه آزمایشی و کنترل نشان می‌دهد؛ با توجه به نتایج جدول می‌توان نتیجه گرفت ۲ گروه آزمایشی و کنترل تفاوت معناداری اثر تعاملی تکرار آزمون در سطح $p < 0/001$ را دارند؛ همچنین تفاوت در تعامل تکرار با گروه در سطح $p < 0/001$ معنادار می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش مهارت‌های اجتماعی، ابعاد هویت را در گروه آزمایشی افزایش داده است، در حالی که میزان ابعاد هویت در گروه کنترل تقریباً ثابت است.

فرضیه دوم، تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس را بررسی می‌کند. تحلیل آماری نیز مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون، بررسی اثر تکرار گروه‌ها و مقایسه میانگین‌ها را مورد توجه قرار می‌هد.

جدول ۴. تحلیل واریانس برای بررسی اثر درون آزمودنی و میان آزمودنی در متغیر عزت نفس در ۲ گروه آزمایشی و کنترل

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
تکرار	۵۲/۲۰	۱	۵۲/۲۰	۶۸/۷۷	۰/۰۰۱
تکرار در گروه	۱۰/۴۰	۱	۱۰/۴۰	۱۳/۷۰	۰/۰۰۱
خطا	۳۶/۴۳	۴۸	۰/۷۵	-	-
تکرار	۴۹/۳۵	۱	۴۹/۳۵	۵/۸۱	۰/۰۲۰
خطا	۴۰۷/۲۹	۴۸	۸/۴۸	-	-

جدول ۴ نتایج تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر، عزت نفس را در ۲ گروه آزمایشی و کنترل نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت معناداری اثر تعاملی تکرار آزمون در سطح $p < 0/001$ میان دو گروه آزمایشی و کنترل وجود دارد (متغیر میان آزمودنی‌ها) و همچنین در تعامل تکرار با گروه تفاوت در سطح $p < 0/001$ معنادار است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت آموزش مهارت‌های اجتماعی، عزت نفس کودکان کار را در گروه آزمایشی افزایش داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

اكتساب مهارت‌های اجتماعی، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد سازگاری اجتماعی به شمار می‌آید (پارکر و اشرف، ۱۹۸۷). از این رو، پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به این پرسش پژوهشی طراحی و اجرا شد که «آیا آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان کار، برای ابعاد هویت و عزت نفس آنان مؤثر است؟» یافته‌های پژوهش نشان داد که تغییرات پس از

آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایشی، معنادار است و آموزش مهارت‌های اجتماعی بر ابعاد هویت کودکان کار مؤثر می‌باشد؛ به بیان دیگر، سطح ابعاد هویت کودکان کار در مقایسه با پیش از آموزش، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشت. برای این منظور، نمرات کل ابعاد هویت که از پرسش‌نامه ابعاد هویت چیک به دست آمده است، در دو گروه آزمایشی و کنترل، پیش و پس از آموزش، مقایسه شد. تحلیل واریانس بررسی تأثیر گروه با اندازه‌گیری‌های مکرر، تفاوت معنادار در ۲ گروه را نشان می‌دهد. هم‌چنین تکرار آزمون نیز معنادار بود و از تفاوت معنادار پیش‌آزمون و پس‌آزمون، حکایت داشت.

دلیل احتمالی برای ارتقای میزان ابعاد هویت آزمودنی‌ها، اکتساب و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی است که به عنوان پایه و مبنایی به شمار خواهد رفت که ارتباط‌های میان‌فردی بر اساس آن ساخته خواهد شد. کودکان کاری که مهارت‌های اجتماعی را به طور واقعی آموخته، تمرین نموده و شایستگی خود را به کار بردند، قطعاً توانسته‌اند در ورود به گروه همسالان و دوست‌یابی موفق باشند، تعاملی مثبت در روابط خود با همسالان داشته و دامنه‌ای از رفتارهای مقبول را از خود نشان دهند.

از سوی دیگر کودکان و نوجوانانی که قواعد اجتماعی گروه همسالان را به خوبی یاد می‌گیرند و نیز روابط قوی و مستحکمی با اعضای خانواده و اجتماع برقرار می‌کنند، به احتمال زیاد سطح بالایی از عزت نفس را نیز از خود بروز خواهند داد؛ کودکان کاری که به خوبی مهارت‌های اجتماعی را به دست می‌آورند و از نظر اجتماعی رفتارهای مطلوب‌تری از خود نشان می‌دهند، مفهوم خود مثبت‌تری از خود داشته و این امر موجب می‌شود محدودیت‌ها و توانایی‌های خود را به شیوه صحیح‌تری ارزیابی، درک و پذیرش کرده و در نهایت هویت ولقی خود را بیابند.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر مؤثر بودن آموزش مهارت‌های اجتماعی، با یافته‌های نی هیا^۱ و همکاران (۱۹۷۴)، گرشام و الیوت (۱۹۸۷)، چن و همکاران (۲۰۰۱) و اوا (۲۰۰۳) همسویی دارد.

پژوهش حاضر، علاوه بر مقایسه نمرات ابعاد هویت که از پرسش‌نامه ابعاد هویت چیک به دست آمده بود، نمرات مهارت‌های اجتماعی را نیز که از طریق فهرست بررسی ماتسون حاصل شده بود، مورد تحلیل قرار داد. نتایج مقایسه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایشی و کنترل از تفاوت معنادار دو گروه در پس‌آزمون حکایت داشت که می‌توان این تفاوت را ناشی از آموزش ارائه شده به کودکان کار دانست و چنین تبیین کرد که آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایشی مؤثر بوده و موجب شده است که این گروه در پس‌آزمون نمرات بهتری به دست آورند. همچنین اثر تکرار در گروه نیز معنادار بوده و می‌توان ادعا داشت که آموزش مهارت‌های اجتماعی، مهارت اجتماعی کودکان کار را افزایش داده است.

یافته‌های پارکر و آشر (۱۹۸۷)، نویسکی و داک^۱ (۱۹۹۲) و ولش و همکاران (۲۰۰۱) نیز با نتایج پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. به طور خلاصه در مورد پژوهش حاضر می‌توان گفت آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق ارائه برنامه مداخله‌ای، هم بر هویت و هم بر عزت نفس کودکان کار تأثیری مثبت داشته و آن‌ها را افزایش داده است. از این رو، لازم است آموزش مهارت‌های اجتماعی به تمامی کودکان به ویژه کودکان کار که در برقراری ارتباط با همسالان مشکل دارند، مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است اگر آموزش مهارت‌های اجتماعی با برنامه، منظم و به طور مستمر تداوم داشته باشد، موجب رشد همه جانبه کودکان کار و جبران عقب‌ماندگی آنان از سایر همسالان خواهد شد؛ عقب‌ماندگی که به واسطه روال غیر عادی دوران کودکی بر آنان تحمیل شده است.

آموزش مهارت‌های اجتماعی مناسب و فراهم کردن فرصت‌ها و تجاربی که تعاملات اجتماعی را افزایش دهد، موجب می‌شود کودکان بتوانند راهبردها و مهارت‌های اجتماعی را در تمام محیط‌ها و موقعیت‌های واقعی زندگی تمرین کنند و به کار بندند. بدیهی است فراهم کردن این گونه فرصت‌ها، مسئولیت تمام کسانی است که به نحوی با این کودکان در ارتباط هستند.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر مانند هر پژوهش دیگری، محدودیت‌هایی داشته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. از آنجا که فراگیران دوره مهارت‌های اجتماعی ما را پسران تشکیل داده بودند، لذا تعمیم یافته‌های این پژوهش به کودکان کار دختر امکان پذیر نمی‌باشد.
۲. شاید بتوان گفت که نتایج پژوهش حاضر به کودکان غیر کار نیز قابل تعمیم نیست.
۳. نتایج پژوهش ما به کودکان کار پایین‌تر از ۱۳ سال و بالاتر از ۱۷ سال نیز قابل تعمیم نبوده؛ چراکه فراگیران آموزش‌های مهارت اجتماعی ما در این تراز سنی بوده‌اند.

منابع

- به پژوه، الف. (۱۳۷۵). آموزش مهارت‌های اساسی به دانش‌آموزان دیرآموز. جزوه راهنمای معلم، (۱۲): ۱۱-۲۰.
- بیابانگرد، الف (۱۳۷۲). روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، *مجله اولیاء و مربیان*، ۲ (۱۰): ۴۹-۶۸.
- بیکر، ت. (۱۳۸۹). *روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی*. ترجمه و اقتباس ه، نایبی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- پاترینوس هنری، الف. (۱۳۸۱). بررسی انگیزه و نتایج کار کودک. ترجمه م. ربیعی، نشریه کار، (۱۰): ۱۷-۲۵.
- حسینی، س.ح. (۱۳۸۴). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵ (۱۹): ۱۴-۱۹.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۷۶). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- سید کریمی، ع. (۱۳۸۵). مقایسه شیوع اضطراب افسردگی و عزت نفس در کودکان خیابانی و عادی شهر تهران در سال ۱۳۸۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

شریعت‌زاده، ن. (۱۳۸۷) نقش گروه همسالان در رشد اجتماعی کودک. فصلنامه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، (۴۹): ۱۵-۱۹.

عظیم زاده اردبیلی، ف. (۱۳۸۶) پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن. فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۴۲): ۱۷-۲۹.

متسون، جانی و اولندیک، توماس. (۱۹۸۸). بهبودبخشی مهارت‌های اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش. ترجمه احمد به‌پژوه. تهران: اطلاعات.

هارجی، اون؛ ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید. (۱۹۹۴). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: رشد.

یوسفی، ف و خیر، م. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران دبیرستان در این مقیاس. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، (۹): ۶-۱۴.

- Bomb, P. Social skills and siblings in India, University of Missouri. (2005) [cited 2013 Mar 5] . Available from: http://hdfs.missouri.edu/documents/raduate/dissertations_theses/thesis_bomb.pdf.
- Cheek, J. M. S. M. Smith & L. R. Tropp. (2002). "Relational identity orientation: a fourth scale for the AIQ". Paper presented at the meeting of the society for personality and social psychology. savannah, GA
- Chou, K. L. (1997). The Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters: Reliability and Validity of a Chinese translation. Personality and Individual Differences, 22, 123-125.
- Elliot, S.N. & Gresham, F.M. (1993). Social skills interventions for children. Behavior Modification, 17, 3, 287-313.